

جمعه و یکشنبه یا هفته‌داری در ایران دکتر علینقی منزوی

[مجله کاوه (مونیخ) 14، سال 1355 خ، ش 62، صص 10-16]

دوست‌گرامی آقای عاصمی پس از سلام گرم. در مقاله‌ی شما "اندیشه‌ی آینده" که در شماره‌ی 56-55 کاوه چاپ شده است. پرسش زیر نظر مرا جلب کرد "اگر تعطیل جمعه براساس شعایر مذهبی است. همسایه‌ی ما نیز مسلمان است و تعطیلات آخر هفته‌اش یکشنبه است" این عبارت مرا ناچار کرد چند کلمه در پاسخ آن بنویسم. شک نیست که روز جمعه نزد ما مسلمانان شیعه و سنی روزی مقدس و گرامی است روز دعا و عبادت است و چنان که بعداً خواهیم دید دور نیست که در آواخر عهد ساسانی در ایران به عنوان روز آناهیتا خدای عشق روز جشن و آدینه شناخته شده و از آن جا به حجاز سرایت کرده باشد. و تازیان برای مبارزه با "سبت" یهودیان از آن استفاده کرده "یوم الزینه" (قرآن 20: 61) و "جمعه" (قرآن 62: 90) اش نامیدند لیکن بالاخره بزرگداشت مذهبی روز چیزی است و تعطیل آن روز که یک مسأله‌ی اقتصادی است مسأله‌ای دیگر است و این دو هیچ ربطی با هم ندارند. توضیح این مطلب نیز نیاز به مقدمه‌ای دارد.

پیدایش هفته

کهن‌ترین بخش‌بندی روزها در تاریخ اروپای قدیم صورت ده‌دهی داشته و تقسیم هفتگی آن در هزاره‌ی دوم پیش از میلاد در بین‌النهرین متداول گردیده و سپس سالی‌ر ایرانیان و یهود و مصریان از مردم آن جا برگرفته‌اند. بخش‌بندی هفتگی، پس از آگاهی بشر از "ستارگان" سیار هفتگانه رخ داده است و لذا نام آن هفت ستاره را بر روزهای هفته نهاده‌اند، ولی چنان که از گفته‌ی بیرونی خواهیم آورد، نخست ساعت‌های 24 گانه شبانه روز به نام سیاره‌های هفتگانه خوانده شده و سپس هر روز از هفته به نام ستاره‌ی همان نخستین ساعت آن روز نامیده شده است. کسروی می‌گوید: بنیاد هفته‌داری از هرکس بوده، نشر آن در جهان با دست جهودان و ترسایان روی داد و در ایران قرن‌ها پیش از اسلام به دست آنان رواج یافت (مجله‌ی پیمان سال 1 ش 10/11 فروردین 1313 خ تجدید چاپ ذکای 1352 خ کاروند کسروی ص 460) لیکن این سخن چندان درست نیست زیرا که از دو گونه هفته‌داری که هم اکنون در جهان متداول می‌باشد، هفته‌ی ستاره‌ای که از هند است، هم کهن‌ترین و هم رایج‌تر از هفته‌ی شمارشی است که ریشه‌ی یهود دارد.

نام ساعت‌های 24 گانه و روزهای هفته

بیرونی در 440هـ/ 1048م گوید: هندیان نام روزهای هفته را از هفت ستاره سیار گرفته‌اند. هم چنان که فارس‌ها شماره‌ی روزها را بر "شنبه" می‌افزایند هندیان نام یکی از هفت ستاره را بر پسوند "بار" می‌افزایند: پس یکشنبه را "ادیت بار" گویند یعنی روز مهر (خورشید) که در فلک چهارم از افلاک هفتگانه بطلمیوسی قرار گرفته است و دوشنبه را "سوم بار" یعنی روز ماه (در فلک اول) و سه شنبه را "منگل بار" یعنی روز بهرام - مریخ - Mars (فلک 5) و چهارشنبه را "بد بار" یعنی روز تیر - عطارد - Mercury (فلک 2) و پنجشنبه را "پرهسپت بار" یعنی روز برجیس -

مشتری - Jupiter (فلک 6) و آدینه را "شکر بار" یعنی روز ناهید - زهره - Venus (فلک 3) و شنبه را "شنیشچربار" یعنی روز کیوان - زحل - Saturn (فلک 7) نامند.

بیرونی سبب این ناهماهنگی ترتیب روزهای هفته را با ترتیب افلاک هفتگانه، چنین روشن کرده گوید. هندیان خورشید را که در (فلک 4) است خدای روز اول هفته که یکشنبه است و خدای نخستین ساعت آن روز می‌شمارند و سه ساعت پس از آن هر یک را به ترتیب بنام یکی از ستارگان زیر فلک خورشید می‌نامند.

و بنابر این ساعت دوم را ناهید (فلک 3) و سوم را تیر (فلک 2) و چهارم را ماه (فلک 1) می‌خوانند. و چون پایین‌تر از ماه ستاره‌ای نیست ناچار دوباره به بالا بازگشته ساعت پنجم را کیوان (فلک 7) و ششم را برجیس (فلک 6) و هفتم را بهرام (فلک 5) می‌نامند. و از ساعت 8 تا 14 را ایشان دو باره به همان نام‌های (خورشید ... بهرام) می‌نامند.

هندیان این دوره‌های هفت ساعتی را هم چنان تکرار کردند. بنا بر این ساعت 25 روز مهر (یکشنبه) که همان نخستین ساعت روز بعد از (روز دوشنبه) است. ساعت "ماه" نام گرفت. پس روز دوم هفته نیز به پیروی از نام اولین ساعتش، برخلاف ترتیب افلاک بطلمیوسی بناگزیر روز ماه نامیده شد. و چون بیست و پنجمین ساعت پس از آن که نخستین ساعت روز سوم هفته باشد ساعت بهرام است، ناگزیر روز سوم بهرام خوانده شد. و هم چنان تا پایان هفته پیش رفتند (بیرونی. مالهند من مقوله چ هند 1958 ص 171 دیده می‌شود).

هم‌چنین بیرونی گوید. ارزش روزهای هفته نزد هندیان متفاوت است چنان که یکشنبه نزد ایشان به سبب وابستگی به مهر و این که آغاز هفته است محترم می‌باشد.

مسعود سعد سلمان م 515 هـ 1121 م در منظومه‌ای که در آن روزهای هفته‌ی ستاره‌ای هندی را با هفته‌ی شماره‌ای سامی تطبیق کرده، هفته را از یکشنبه آغاز نموده است (دیوان مسعود. چ یاسمی تهران 318 اش 668). ملل و نحل شناسانی چون ابوالمعالی و شهرستانی م 548 هـ 1153 م گویند. اصحاب روحانیات در هر روز برای ستاره‌ای که آن روز هفته بدان نام خوانده می‌شود نماز می‌گزارند چنان که شنبه زحل را ("بیان الادیان" چ اقبال ص 21 و "ملل و نحل" شهرستانی ترجمه‌ی صدر ترکه اصفهانی ص 240).

می‌دانیم که مقصود شهرستانی از اصحاب روحانیات دارندگان اندیشه‌های گنوستیک هندو ایرانی است اندیشه‌ای که به وسیله‌ی متیراییست‌ها به زردشتیان و صابیان و حتی به برخی از مسیحیان صوفی سرایت کرده بود. سنت‌گرایی دولت، در دوره‌ی دوم صفوی، روزبه روز محیط را بر این میراث ملی ایران تنگ‌تر می‌کرد.

برای نمونه، فیض کاشانی م 1091 هـ 1680 م را می‌بینیم که نام ستاره‌های هفته را در "تقویم المحسنین - ص 35" و نام فارسی سی روز ماه را در رساله‌ی "نوروز و سی روز" درست همانند "بندش" و در خرده اوستا ص 196 - 201 و "التفهیم" فارسی بیرونی ص 234 و عربی و انگلیسی ص 170 آورده و همه را هم با احترام از امام صادق نقل می‌کند، اما مجلسی م 1110 هـ 1698 در باب سماء و عالم از کتاب "بحار الانوار" (چ امین الضرب ج 14 ص 106 و چ نوین اسلامیه ج 59 ص 28 - 29) نام ستاره‌های هفته را و در ص 56 - 90 نام‌های فارسی سی روز ماه را به نقل از امام صادق، و در ص 109 به بعد نام‌های فارسی 12 ماه خورشیدی را از کتاب "علل الشرایع" تألیف ابن بابویه م 381 هـ 991 م به نقل از امام رضا آورده است، اما سنی‌مآبانه در صحت نسبت آن‌ها بدان دو امام تردید روا داشته است.

از این تاریخ به بعد کم‌کم هفته‌داری ستاره‌ای در ایران به درون کتاب‌های منجمان خزید و بر صفحه‌ی دفترچه‌های گاه‌شماری (تقویم‌های بقطع خستی) منحصر گشت (برای آمار این دفترچه ذریعه 4: 396-403 و 7: 66-67 و 8: 211-225 دیده‌شود) اما در هند وضع دگرگونه بود، گروهی از دانشمندان شیعه که از سنت‌گرایی دولت ایران

گریخته و از کشتار مکتب‌های فلسفی قزوین به دست شاه عباس (1002هـ-1593م) جان به سلامت بدر برده بودند به گرد اکبر شاه فراهم آمدند و به سرپرستی فتح‌الله دانشمند شیرازی م 997 هـ تاریخ آلهی را بنیان نهادند که در آن نام‌های روز هفته و ماه و سال خورشیدی فارسی گشته و همه‌ی جشن‌های ایرانی با پشتیبانی حدیث‌های شیعی زنده بود. اما متأسفانه این نیز دیری نپایید و بیماری سنت‌گرایی آن جا را نیز در هم ریخت و چندین تن از دانشمندان شیعی مانند قاضی نور الله شوشتری را به کشتن داد (سال 1019هـ-1610م).

جالب توجه است که این گونه نام‌گذاری روزهای هفته با همه فشارهای یاد شده هنوز هم در بسیاری از دهات ایران رایج است. و من درمراجعه به مرکز فرهنگ مردم وابسته به تلویزیون و مدیر محترم آقای انجوی شیرازی، گزارشی را که به نام "ساعت شبانه‌روز" و با نام همان هفت سیاره که بیرونی یاد کرده و با همان ترتیب قدیم نگاه داشته‌اند دیدم. با این که امروز سنی‌زده، هفته را به جای یکشنبه از شنبه آغاز می‌کنند، باز آن روز را به عادت عهد ساسانی مانند هندیان از آن کیوان (زحل) می‌شمردند زیرا که نخستین ساعت شنبه ساعت کیوان است و روز یکشنبه را متعلق به مهر می‌دانند زیرا که نخستین ساعت آن روز مهر نام دارد و دوشنبه را با اولین ساعتش از آن ماه و سه‌شنبه را از آن بهرام و چهارشنبه را از آن تیر و پنجشنبه را برجیس و آدینه را ناهید مطلق جدول زیر می‌شمرند.

ساعت	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهار-شنبه	پنج- آدینه	شنبه
1	مهر	ماه	بهرام	تیر	برجیس	ناهید
2	ناهد (زهره)	کیوان	مهر	ماه	بهرام	تیر
3	تیر (عطارد)	برجیس	ناهید	کیوان	مهر	ماه
4	ماه	بهرام	تیر	برجیس	ناهید	کیوان
5	کیوان (زحل)	مهر	ماه	بهرام	تیر	برجیس
6	برجیس (مشتری)	ناهید	کیوان	مهر	ماه	بهرام
7	بهرام (مریخ)	تیر	برجیس	ناهید	کیوان	مهر
8	مهر	ماه	بهرام	تیر	برجیس	ناهید
0	0	0	0	0	0	0
0	0	0	0	0	0	0
0	0	0	0	0	0	0
24	تیر (عطارد)	برجیس	ناهید	کیوان	مهر	ماه

هفته‌ی تفرشی و ستاره نامی ساعت‌ها و روزهایش خواص هرروز را روی خاصیت رب‌النوع آن ستاره مشخص می‌کنند مثلاً ازدواج در روز آدینه نیکو است چون روز آن‌اهیتا عشق می‌باشد.

بنابر آن چه گذشت، باید گفته‌ی شادروان دکتر محمد معین را مبالغه‌آمیز شمرد. ایشان مدعی است که هفته در ایران ساسانی شناخته نبوده است و پس از اسلام به ایران راه یافته است زیرا که استدلال ایشان به این که واژه‌ی شنبه و شنبد از ریشه‌ی Sabbath آرامی (سریانی و عبری) و Shabbatu اکدی گرفته شده است.

روز شماری در ایران باستان چاپ شده در در مجموعه‌ی ایرانشناسی سال 1325 خ، ص 3-4 تنها سامی بودن این نام‌گذاری بسیار ساده را نشان می‌دهد نه عادت تقسیم بندی هفت‌روز هفته و 24 ساعت شبانه‌روز بر سازمان پیچیده-ی هفت سیاره با آن روش دقیق و علمی که در هند و ایران متداول بوده است. آری در ایران پیش از اسلام هم هفته‌داری و هم سی‌روز - شماری ماه تنها برای انجام دادن مراسم مذهبی بوده است، زیرا که هفته طبیعتاً نمی‌تواند تاریخ‌نگار باشد.

چنان که می‌بینیم امروزه اروپاییان نیز نام روزهای هفته را با همان شکل هندی به کار می‌برند و حتی بنابر گفته‌ی بیرونی (در ماللهند ص 172 و التفهیم فارسی ص 234) هندیان ساعت را "هور" گویند و امروز ما می‌بینیم که این کلمه به صورت‌های گوناگون در اروپا به همین معنی متداول است.

تعطیل هفتگی

تعطیل یک روز در هفته برای رفع خستگی از کار منظم هفتگی از وقتی شناخته شد که بشر شهرنشین شد و کار برای او به صورت یک وظیفه در آمد. یهود که پیش از پسر عموهای عربشان پا به دایره‌ی تمدن نهاده و با اقتصاد شهری سر و کار یافته بودند تعطیل هفتگی را زودتر پذیرفته بودند.

و چون اقوام سامی همه‌ی قوانین را الاهی می‌شمردند (کاوه 61: مقاله‌ی مرجیان) ناچار تعطیل هفته را نیز به صورت قانون الاهی در آوردند. ایشان در سده‌ی سوم پیش از میلاد افسانه‌ی خلقت جهان در شش روز و استراحت خالق در روز هفتم را پرداخته و آن را در سفر تکوین (302) گنجانیده در پیشاپیش چهار سفر دیگر در تورات که خیلی کهن-تر از سفر تکوین هستند قرار دادند.

در این سفر روزهای (1 تا 7) هفته با عدد نامیده شده و تنها روز هفتم "شبت" خوانده شده است پس "جمعه" نزد عبرانیان و سریانیان "ششم = شدیش = سادس" نامیده می‌شده است. واژه‌ی "جمعه" از مستحدثات تازیان است. آری برخی از سریانیان هم مرز ایران جمعه را "آروبا" می‌خوانده‌اند و دور نیست که آن را از کردها گرفته و به معنی رب النوع عشق ستاره‌ی ناهید باشد. به هر حال از آن وقت تاکنون یهود روز شنبه را برای استراحت از کار هفته تعطیل می‌کنند و با جنبه‌ی مذهبی که بدان داده‌اند سخت بدان پایند هستند.

تعطیل یکشنبه هیچ ارتباطی با مسیحیان ندارد

مسیحیان تا سده‌ی چهارم میلادی مانند یهود روز شنبه را تعطیل می‌داشتند و تنها از این تاریخ است که ایشان به پیروی از رومیان باستان و هندیان روز یکشنبه را برای تعطیل برگزیدند.

عبدالجبار معتزلی (م 415هـ - 1024م) یکی از متکلمان عالی مقام و پرکار سده‌ی 4هـ - 10م در کتاب گران-قدرش "تثبیت دلائل النبوه" می‌گوید. مدت‌ها پس از قسطنطنین امپراتور روم (م 324م) یکی از امپراتوران روم انجمن کشیش‌ها (سنهومی) را تشکیل داد و این مجلس مقرر داشت که روز یکشنبه عید هفتگی نصارا در برابر روز شنبه که عید یهود است شناخته گردد و روز عید تولد زمان که روز تحویل خورشید به برج کانون است و از روزگار باستان مردم یونان و روم آن را عید تولد مهر می‌گرفتند عید سال مسیحیان و روز تولد مسیح شناخته شود و بنابر این مسیحیان در چهار قرن آغاز کارشان با روز یکشنبه کاری نداشتند و عید هفتگی یکشنبه را مانند عید سالانه کریسمس از میتراپیست‌های رومی گرفته‌اند. "شب یلدا" ایرانی شب تولد افسانه‌ای مهر است نه تولد شخصیت افسانه‌ای و موهوم مسیح.

تعطیل جمعه نیز هیچ ربطی به اسلام ندارد.

شک نیست که روز جمعه نزد ما مسلمانان شیعه و سنی روزی مقدس و گرامی است روز دعا و عبادت است بسیاری از اعمال مذهبی مخصوص برای این روز برقرار شده است. و پیش از اسلام نیز روز آدینه ناهید خدای عشق و جشن و شادمانی و ازدواج بوده و مراسمی مذهبی داشته است. ولی این اعمال عبادتی نه تنها منافاتی با کارروازانه نداشته بلکه طبق نص صریح قرآن نباید با آن منافات داشته باشد. آیه 9 و 10 سوره ی جمعه چنین است.

”اذا نودی للصلاه من یوم الجمعه فاسعوا الی ذکر الله و ذر والبیع - ... فاذا قضیت الصلاه فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله“ یعنی هرگاه صدای اذان جمعه بلند شد کارها را قطع کنید و به نماز آیید و چون نماز پایان یافت به سرکار و کاسبی برگردید.

و به اتفاق همه مفسران نه تنها مانعی برای کار کردن پیش و پس از نماز نیست بلکه دستور است که پس از پایان نماز به سرکار برگردند. این گونه برداشت از تفسیر این آیه در تمام چهارده قرن تاریخ تا پیش از تماس شرق با اروپا رواج می داشت.

تعطیل یک روز در هفته، هرچند تقلیدی نیکو از تمدن اروپا بود لیکن در تعینی روز آن به جمعه نوعی غدی و لجبازی به کار رفت و چون به غلط تعطیل یکشنبه را نشان مسیحیت می پنداشتند، خواستند با تعیین روز جمعه نوعی اظهار استقلال کرده باشد.

تازه این نوع تحلیل مسأله که یاد کردم از نظر سنیان و برخی شیعیان سنی مآب است و گرنه از نظر مذهب شیعه یک هزار و یکصد سال است که اجرای نماز جمعه متوقف است و چنان که در بخش بعد مقاله خواهیم دید، برخی از علمای روحانی آن را حرام و برخی مباح می دانند و از دانشمندان و علمای شیعه کسی جز سنی مآبان چند ساله اخیر به وجوب آن قایل نشده است.

آری پس از جنجال اتحاد اسلام که از طرف سیدجمال ایرانی افغانی شده - که درد اتحاد اسلام او را واداشته بود اسد اسد آباد خود را اسعد آباد کابل سازد - بلند شد، عده ای سنی زده از او طرفداری کرده نماز جمعه را پس از یازده قرن ترک کردن از نو زنده نموده، علم کنند. خصوصاً شیعیان کشورهای عربی که خود را بیشتر نیازمند سنی نمایی و عربزدگی می بینند و برای آن که به قول خودشان آلودگی تشیع را به اندیشه های منحرف! هند و ایرانی و عرفان و گنوسیزم نفی نمایند و تمسک خشک سنی مآبانه ی خود را به کتاب و سنت اثبات کنند، ایشان نماز جمعه را به وسیله برخی رادیوها مانند رادیو بیروت نیز پخش می کنند ولی باید متوجه بود که مرکز تشیع شهر بیروت نیست. مرکز روحانیت جهان تشیع نجف و قم و مشهد است و در این سه مرکز مانند یازده قرن گذشته نماز جمعه هنوز هم برگزار نمی شود زیرا که مراجع بزرگ شیعه شرط نماز جمعه را وجود ”حکومت گنوستیک“ می دانند و به اصطلاح فقهی می گویند. اجرای چهار حکم سیاسی از احکام اسلامی متوقف بر حضور امام زمان است و آن چهار حکم سیاسی عبارتند از:

1- نمازهای (جمعه و عید).

2- قضا و شهادت.

3- اجرای حدود و قصاص.

4- جهاد و جنگ.

این یکی از موارد اختلاف اساسی مذاهب شیعه و سنی است. در مذهب سنی این چهار حکم سیاسی فرقی با احکام غیر سیاسی نداشت و تا روز الغای خلافت عثمانی در استانبول به سال 1921 اجرا می گردید. یا دست کم چنین ادعا می شد که اجرا می گردد. اما در مذهب شیعه از سال 260 هجری که سال مرگ امام یازدهم است به علت

غیبت امام زمان اجرای مذهبی بخش حق الله احکام سیاسی چهارگانه‌ی یاد شده متوقف گردید و اجرای بخش حق - الناس آن‌ها به رأی ریش سفیدان مردم واگذار شده که آن را دولت‌های غیر مذهبی اجرا می‌کرده و از عصر مشروطیت اجرای آن با تصویب مجلس شورای ملی بر عهده دولت قانونی واگذار شده است.

برای مثال هرگاه دزدی رخ می‌داد، قسمت حق الناس این حادثه که پس گرفتن مال دزدی شده است. به وسیله‌ی ریش سفیدان و دولت غیر مذهبی انجام می‌گرفت و قسمت حق الله آن که اجرای حد سرقت با بریدن دست دزد است، به سبب نبودن امام زمان متوقف الاجرا می‌ماند.

آری متوقف الاجرا بودن احکام چهارگانه سیاسی نامبرده مورد اتفاق نظر تمام علمای شیعه است. از شیخ طوسی م 460 در "نهایه" و "تهذیب" "استبصار" گرفته تا علما امروز همگی آن‌ها را متوقف الاجرا می‌دانند. البته برخی افسانه‌ها در تاریخ دیده می‌شود که فلان آخوند، خود سرانه، حد یا قصاص مخصوصی را مخفیانه مثلاً در زیر زمین خانه‌اش در اصفهان در عهد شاه شهید اجرا کرده است. ولی این افسانه‌ها نمی‌تواند پایه‌ی حکم شرعی برای مذهب شیعه شود. احکام یاد شده و متوقف الاجرا بودن آن‌ها تا ظهور امام زمان در تمام کتب فقه درباب نماز جمعه و باب جهاد و باب قضا و حدود آمده و به روشنی ثبت شده است.

خلاصه آن که حتی برای کشور ترکیه که به جز 6 میلیون کرد شیعه علوی آن باقی مردم سنی هستند نماز جمعه خواندن دلیل تعطیل روز جمعه نیست تا چه رسد به ملت شیعی ایران که یازده قرن است نماز جمعه را ترک کرده و بیشتر دعا و اعمال جمعه را نیز متعلق به شب جمعه می‌داند نه روز آن.

حال که معلوم شد که جنبه‌ی مذهبی روز جمعه مستلزم تعطیل آن نبوده و نیست، اینک این پرسش به میان می‌آید که آیا ما مسلمانان نیازی به تعطیل یک روز در هفته داریم یا نه.

پاسخ این پرسش به ظاهر چنین باشد که در روزگار آمدن قرآن هنوز جامعه‌ی کوچک و دهنشین مسلمانان به مرحله‌ی اقتصاد شهری نرسیده بوده و نیازی به تعطیل هفتگی احساس نمی‌کرده است و لذا تعطیل شنبه‌ی یهود را نیز نسخ کرده است اما این بدان معنی نیست که تا ابد مسلمانان نباید تعطیل هفتگی داشته باشند. بلکه بدان معنی است که تعیین روز تعطیل. هرگاه لازم آید با خود مسلمانان خواهد بود. و این مانند صدها حکم دیگر است که موضوع آن‌ها در قرن‌ها بعد پدیدار شده و تعیین حکم آن‌ها طبعاً با نظر خود مسلمانان انجام گرفته است. از قبیل حکم استفاده از مخترعات بعد از اسلام و قراردادهای جدید مانند بیمه که حکم آن‌ها به وسیله‌ی کلیاتی همچون ("أوفوا بالعهد" المؤمنون عند شروطهم) تعیین شده است.

بنا بر این تعیین روز تعطیل هفته، وقتی لازم تشخیص داده شود، به خود مردم واگذار شده است و حکمی مخصوص ندارد و برنمایندگان ملت است که روزی را که با منافع اقتصادی ملت ماجور باشد برای تعطیل هفتگی تعیین نمایند. پیدا است که چهار روز تعطیل برای کشوری که تازه اقتصادش به حال شکوفان در آمده است خسارتی جبران ناپذیر است. پس یا باید دنیا تابع ما گردد و یا ما پیرو جهان گردیم. من گمان نمی‌کنم عاقلی که سروکاری با اقتصاد داشته باشد جز این راهی بیندیشد.